



بیانیه سازمان فداییان (اقلیت) به مناسبت چهل و دومین سالگرد نبرد سیاهکل

فقط انقلاب، نجات‌بخش مردم ایران خواهد بود

کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری سازمان ما فرا رسیده است. ۴۲ سال پیش در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی از انقربیون کمونیست که هدف و آرمان‌شان رهایی بشریت ستم‌دیده از قید ستم و استعمار، نابرابری و استبداد بود، با طرح و نقشه‌ای نوین به مبارزه‌ای حماسی و قهرمانانه علیه نظم موجود برخاستند.

حمله مسلحانه به یکی از مراکز سرکوب و ستم رژیم شاه در سیاهکل، در شرایطی که دستگاه پلیسی - امنیتی استبداد، کوچکترین تجلی نارضایتی و اعتراضی را در نطفه خفه می‌کرد و یأس و انفعال در جنبش کمونیستی و انقربی حاکم بود، شور مبارزاتی نوینی را در میان انقربیون برانگیخت. نشان داد که می‌توان در اوج استبداد و اختناق نیز پاسداران نظم ارتجاعی را به مصاف طلبید و قدرت پوشالی‌شان را در انظار همگان برمر کرد. در جریان این اقدام قهرمانانه و حماسی، ۱۵ چریک فدایی، رفقا علی‌اکبر صفایی فراهانی، جلیل انفرادی، هوشنگ نبیری، احمد فرهودی، غفور حسین‌پور، عباس دانش بهزادی، محمد هادی فاضلی، اسماعیل معینی عراقی، شعاع‌الدین مشیدی، هادی بنده خدا لنگرودی، محمد علی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفائی، مهدی اسحاقی، محمدرحیم سماعی، اسکندر رحیمی، یا در نبرد با نیروهای نظامی دشمن جان باختند و یا دستگیر و به جوخه اعدام سپرده شدند. مبارزه اما با همان استواری، قهرمانی و فداکاری در شهرها ادامه یافت. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران که از دل این مبارزه برخاست، به یگانه سازمان کمونیست ایران تبدیل گردید که توانست به رغم تمام وحشی‌گری دستگاه امنیتی - پلیسی رژیم شاه، اعدام و کشتار صدها فدایی و به بند کشیدن هزاران تن در زندان‌های قرون وسطایی، به مبارزه ادامه دهد و ادامه‌کاری خود را تضمین کند.

آنچه که موجب محبوبیت سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران از همان آغاز، لاقلاً در میان بخش آگاه جامعه گردید، پایبندی به هدف‌های والای آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی، انطباق گفتار و کردار بود که به درستی سیمای راستین کمونیست‌ها و جنبش کمونیستی را به همه نشان می‌داد. توده‌های کارگر و زحمتکش به عینه می‌دیدند که چگونه کمونیست‌ها برای تحقق اهداف انسانی‌شان در نبرد با دشمنی بی‌رحم، حتا از فدا کردن جان خود نیز دریغ نمی‌کنند. از همین روست که در جریان انقرب و قیام مردم ایران، بخش بزرگی از توده‌های کارگر و زحمتکش و روشنفکران انقربی به صفوف این سازمان پیوستند.

این همه، اما به این معنا نبود که اشتباهات و نقاط ضعف در فعالیت‌های سازمان وجود نداشت. کسی که مبارزه نمی‌کند، اشتباهی هم نخواهد داشت، اما یک سازمان سیاسی که در مبارزه فعال است، ولو این که اهداف، استراتژی و تاکتیک‌های روشنی هم داشته باشد، قطعاً باز هم اشتباهاتی خواهد داشت. مهم این است که اشتباهات و نقاط ضعف، شناخته شوند و مدام برطرف گردند.

سازمان ما از همان آغاز به نقد مداوم خود پرداخت و در هر گام در جهت رفع نواقص و اشتباهات نظری و عملی اقدام نمود. با این وجود ادامه برخی از این نواقص فعالیت، نه فقط میزان ضربه‌پذیری سازمان را در برابر حموت دشمن بالا برد، بلکه مانع از آن گردید که سازمان بتواند وظایف خود را در قبال تشکل و آگاهی طبقه کارگر به خوبی انجام دهد و مانع از آن گردد که در جریان انقرب، قدرت سیاسی مجدداً در دست ارتجاع قرار گیرد. همین نقاط ضعف نیز باعث گردید که در درون سازمان گرایش راست، رفرمیست و سازشکار رشد کند، به تمام سنت‌های انقربی و اهداف و آرمان‌های کارگری پشت نماید و با ارتجاع حاکم متحد شود. نتیجه آن نیز انشعاب بزرگ خرداد ماه سال ۱۳۵۹ بود که سازمان را به دو بخش فداییان اقلیت و اکثریت تقسیم نمود.

ما به عنوان جریان فداییان (اقلیت) که به سنت‌های انقربی و مبارزاتی سازمان، دفاع از منافع توده‌های کارگر و زحمتکش و اهداف آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی سازمان وفادار ماندیم، به مبارزه پیگیر خود علیه ارتجاع طبقاتی و مذهبی و برای برانداختن نظم سرمایه‌داری ادامه دادیم. گرچه در این دوران صدها تن از برجسته‌ترین اعضای رهبری، کادرها، فعالین و هواداران سازمان در نبرد با دشمن طبقاتی جان باختند و هزاران تن سال‌ها زیر شدیدترین شکنجه‌ها به بند کشیده شدند، اما این اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم نتوانست و هرگز نخواهد توانست وقفه‌ای در مبارزه سازمان ما ایجاد نماید. سازمان فداییان (اقلیت) امروز نیز همچون ۳۲ سال پیش که انشعاب بزرگ رخ داد، استوار و پیگیر به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسریمی، برپایی انقرب اجتماعی و استقرار سوسیالیسم ادامه می‌دهد.

کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران و رژیم ارتجاعی پاسدار آن در طول متجاوز از سه دهه‌ی گذشته آشکارا نشان داده است که هیچ راه حلی برای انبوه معضرتی که توده‌های مردم با آن روبرو هستند، ندارند. بالعکس وخامت روزافزون وضعیت مادی و معنوی توده‌های زحمتکش و عمیق‌تر شدن بحران‌های موجود، آن چیزیست که به بار آورده‌اند.

هم اکنون سرتاپای نظم موجود را در تمام عرصه‌ها بحران فرا گرفته است. تشدید و تعمیق بحران اقتصادی به فرکتی عظیم انجامیده است. فقر به درجه‌ای گسترش یافته که در طول چندین دهه‌ی گذشته بی‌سابقه است. اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران زیر خط فقر قرار گرفته‌اند. دستمزد

شماره پیامگیر در اروپا: ۰۰۳۱(۰) ۶۱۸۶۲۲۴۰۱

نشانی ما روی اینترنت: www.fadaian-minority.org آدرس الکترونیکی ما: info@fadaian-minority.org

کارگران حتماً پاسخگوی نیمی از نیازهای معیشتی روزمره آنها نیست. بخش بزرگی از توده‌های کارگر و زحمتکش زندگی‌شان با گرسنگی مداوم می‌گذرد. ده‌ها هزار کارگر ماه‌هاست که حقوق و دستمزدشان را دریافت نکرده‌اند.

بیکاری ابعاد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. در هر ماه هزاران کارگر بیکار و به صفوف بیکاران می‌پیوندند. جوانانی که به بازار کار روی می‌آورند، حتماً در سطح تحصیلات دانشگاهی، اغلب نمی‌توانند یک کار معمولی پیدا کنند. ارتش بزرگ بیکاران در واقعیت از ۸ میلیونی که دو سال پیش نمایندگان مجلس ارتجاع اعلام نمودند، تجاوز کرده است.

سیاست اقتصادی نئولیبرال رژیم که یکی از اجزای آن آزادسازی قیمت‌ها بوده است، وضعیت معیشتی عموم توده‌های مردم را در طول دو سال اخیر به شدت وخیم و سطح زندگی آن‌ها را به نحو فاجعه‌باری تنزل داده است. در این فاصله، بهای کالاها دو تا سه برابر افزایش یافته است. روزی نمی‌گذرد که بهای کالاها مورد نیاز افزایش پیدا نکند. ارزش ریال در همین فاصله، بهمن‌وار سقوط کرده است. از همین روست که بهای دلار هزار تومانی به ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ تومان افزایش یافته است. در این میان تنها سرمایه‌داران و دیگر ثروتمندان و مقامات دولتی هستند که بر درآمد، سود و ثروت خود افزوده‌اند.

شکاف فقر و ثروت در جامعه ایران به نحو بی‌سابقه‌ای عمیق و وسیع شده است. در یک قطب جامعه، فقر، بیکاری و گرسنگی توده‌های کارگر و زحمتکش و در قطب مقابل، ثروتمندانی قرار گرفته‌اند که ثروت‌های افسانه‌ای اندوخته و در ناز و نعمت به سر می‌برند. جامعه سرمایه‌داری ایران و بحران عمیق، مژمن و ناعلاج آن، تنها تشدید فقر، بیکاری و استثمار را در پی نداشته است. فقر و بیکاری نیز به نوبه خود عواقب اجتماعی دیگری برای توده‌های مردم داشته است که افزایش بی‌سابقه معتادان به مواد مخدر، رشد و گسترش باندهای مواد مخدر، گسترش تن‌فروشی، پدیده نوظهور زورگیری، رشد انواع و اقسام جرم و جنایت، انباشته شدن صدها هزار تن از مردم ایران در زندان‌ها، تنها نمونه‌هایی از عواقب اجتماعی فقر و بیکاری هستند.

جمهوری اسلامی که قادر به کنترل و حل بحران‌های متعدد موجود نیست، برای مقابله با نارضایتی عمومی از این همه فشار و فجایع نظم موجود، اختناق و سرکوب را تشدید کرده است. صدها تن از مخالفین و حتی منتقدین رژیم را به حبس‌های طولانی مدت محکوم کرده است. گروهی از کارگران به جرم دفاع از مطالبات صنفی و طبقاتی‌شان هم اکنون در زندان‌های رژیم به بند کشیده شده‌اند. ده‌ها تن از زنانی که از برابری حقوق زن و مرد دفاع می‌کنند، در زندان‌ها اسیرند. ارتجاع حاکم بر ایران در سال جاری نیز تعدادی از فعالین سیاسی را به جوخه اعدام سپرده است و هم اکنون نیز حکم اعدام تعداد دیگری را صادر کرده است.

جمهوری اسلامی که ناتوان از حل بحران‌ها و عواقب اجتماعی آن‌هاست، برای ایجاد جو رعب و وحشت، روزمره صحنه‌های اعدام در ملاء عام را در شهرهای مختلف سازمان می‌دهد. حتماً برای یک سرقت ناچیز، جوانان کم سن و سال بیکار و فقیر را به دار می‌کشند و دست و پا قطع می‌کند. این در حالی‌ست که فساد مالی، دزدی، رشو‌مخواری‌های کلان سر تا پای دستگاه دولتی را فرا گرفته و دزدی‌ها و سوء استفاده‌های مالی ده‌ها میلیارد تومانی سران و مقامات رژیم برملا می‌گردد و کسی متعرض آن‌ها نمی‌شود.

همین فساد درون دستگاه دولتی و حکومت اسلامی به وضوح نشان می‌دهد که تا چه حد نظم سرمایه‌داری موجود و رژیم پاسدار آن پوسیده و گندیده‌اند. اختلافات شدید درونی هیئت حاکمه و بحران سیاسی عمیقی که رژیم در آن گرفتار است نیز، بازتابی از بحران‌های لاینحل موجود، ناتوانی رژیم در حل این بحران‌ها و زوال و گندیدگی نظامی‌ست که با فروپاشی روبرو شده است.

کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

جمهوری اسلامی به نهایت گندیدگی و زوال خود رسیده است. تمام اتکای این رژیم برای حفظ موجودیت خود، اکنون به یک مشت مزدور مسلح است. این رژیم وظیفه‌ای جز وخامت روزافزون اوضاع، تشدید و تعمیق بحران‌ها، تشدید فقر، بدبختی و فلاکت عمومی ندارد. ادامه حیات ننگین این رژیم، زندگی را بیش از پیش بر عموم مردم ایران دشوارتر خواهد ساخت.

راه نجات از فاجعه‌ای که جمهوری اسلامی در ایران آفریده است، روی‌آوری به یک انقلاب، سرنگونی این رژیم ستمگر و ارتجاعی و برقراری یک حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است. تنها یک انقلاب اجتماعی می‌تواند چاره‌ساز حل بحران‌های جامعه‌ی موجود و تحقق مطالبات عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران باشد.

سازمان ما که اکنون به چهل و سومین سال حیات خود گام می‌گذارد، با یاد و بزرگداشت بنیان‌گذاران سازمان و تمام رفقایی که در طول این سال‌ها برای تحقق آزادی و سوسیالیسم با رژیم‌های ستمگر حاکم بر ایران نبرد کردند و جان باختند، بار دیگر بر عهد و پیمان همیشگی خود در دفاع از منافع کارگران، تلاش برای برپایی یک انقلاب اجتماعی و برقراری آزادی و سوسیالیسم در ایران تأکید می‌ورزد و استوار و پیگیر به مبارزه در راه اهداف و آرمان‌های والای انسانی طبقه کارگر، ادامه می‌دهد.

جاودان باد نام و یاد حماسه‌آفرینان نبرد سیاهکل
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی
نابود باد نظام سرمایه‌داری
زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم
سازمان فداییان (اقلیت)
بهمن ماه ۱۳۹۱
کار – نان – آزادی – حکومت شورایی